

جایگاه و ارزش بهداشت

در آموزه‌های قرآنی

- کریم مولانی**

در مطلب حاضر نویسنده اهمیت و ارزش بهداشت فردی و جمعی در دو بعد روحی و جسمی را از دیدگاه قرآن و روایات بررسی کرده است.

اهمیت بهداشت

شساید بتوان گفت که مهم‌ترین آموزه‌های قرآنی، آموزه‌هایی است که برای ایجاد زندگی مطلوب و مناسب در دنیا و آخرت فرو فرستاده شده است. در این میان بهداشت برای دستیابی به طهارت ظاهری و باطنی به جهتی، از جایگاه ویژه و حساسی برخوردار است؛ زیرا سلامت جسم و روان، بخشی از کمالات انسانی و یا دست کم‌بستر اساسی دستیابی به کمالات انسانی می‌باشد. انسان بیمار در وضعیت و شرایط مناسبی نیست تا بتواند در مسیر کمالی گام بردارد و طریق عبودیت را برای دستیابی به کمال ببیماید. تن نرجو و بیمار نه تنها روان آدمی را مشغول می‌دارد بلکه جان و روح او را نیز به بند می‌کشد و قدرت پرواز را می‌گیرد. این گونه است که بهداشت در مفهوم گسترده به عنوان یک مطلوب بلکه مسئولیت مسلمانان تعریف شده است. در ادعیه مانور از معصومان(ع) درخواست سلامت کامل جوارح از خدا به عنوان پیش فرض سلامت روح و قلب دانسته شده است. خواسته «هو علی خدمتک جوارحی» برای دستیابی به کمال عبودیت خواسته مکرر همگانی است. حضرت ایوب (ع) که در صبر ضرب‌المثل می‌باشد، در نهایت، از بیماری دایمی و همیشگی خسته می‌شود و خواهان رهایی از بیماری می‌شود. در آیات بسیاری سلامت به عنوان یک نعمت عظمی در دنیا و آخرت ستوده شده است. برای دسترسی به سلامت کامل، نیاز است که انسان بهداشت را مورد توجه قرار دهد. در فقه اسلامی یکی از کتب پنهانگاه فقه «کتاب طهارت» است که به مباحث طهارت و بهداشت ظاهری و باطنی می‌پردازد. کتب دیگری چون «کتاب اطعمه و اشربه» نیز به مباحث بهداشت تغذیه توجه کرده و «کتاب ایضاک» بخش عمده‌ای از آن به طهارت و بهداشت جنسی توجه دارد. بخش‌های دیگر از کتب فقهی و یا غیر آن با توجه به آموزه‌های وحیانی، قرآنی و روایی به طهارت ظاهری و باطنی پرداخته‌اند. این همه خود بیانگر ارزش و جایگاه بهداشت در اسلام و آموزه‌های وحیانی آن است.

بهداشت، به معنای حفظ صحت است (فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۶۱۱، ش). در اصطلاح پزشکی و تخصصی بهداشت به مجموعه فعالیت‌ها و اقداماتی گفته می‌شود که برای بهبود و ارتقای تندرستی و توانایی یک فرد یا جامعه انجام شود. از این رو بهداشت شامل همه دانشها و روش‌هایی است که به حفظ سلامت فرد و جامعه کمک کند. (کتاب بهداشت، زیرنظر جمعی از پزشکان، انتشارات وزارت بهداشت، معاونت بهداشتی، سال ۱۳۴۳) هر چند که در قرآن بصراحت از واژه صحت و بهداشت به معنای اصطلاحی آن سخنی به میان نیامده است ولی افزون بر مطالب و مسایلی که در قرآن و آموزه‌های وحیانی درباره ارزش و اهمیت بهداشت و صحت بیان شده واژگانی را می‌توان یافت که ناظر به سلامت و بهداشت است. این جمله این واژگان می‌توان به واژه‌های «طیبات»، «طهارت» و مشتقات آن اشاره کرد.

در اهمیت و ارزش بهداشت همین بس که در نظر قرآن و شریعت اسلامی از یکی از مهم‌ترین روش‌های ارزش گذاری هر چیزی توجه به مسئله بهداشت و پاکیزگی آن است. از این رو، تنها چیزهایی قابل ارزش گذاری هستند و در معاملات می‌توانند به عنوان کالا مطرح شوند که از ویژگی بهداشت و پاکیزگی برخوردار باشند و هر چیز ناپاک که از آن به حیث یاد می‌شود، از دایره کالا بودن بیرون می‌رود. خداوند در آیه ۱۰۰ سوره مائده در مقام سننجش و ارزش گذاری

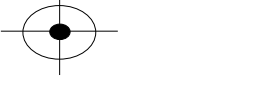
میان چیزهای دنیوی به تفاوت میان چیزهای پاک و ناپاک اشاره می‌کند. چیزهای پاک به آن دسته از چیزها گفته می‌شود که یکی از مولفه‌های آن طهارت و بهداشتی بودن باشد. در همین آیه مسأوی نبوتن اشپای پلیدی و غیربهداشتی یا شایک پاکیزه و بهداشتی به عنوان یک مایهٔ سننجش طبیعی در آدمی معرفی می‌شود. به این معنا که آدمی به طور

طبیعی نسبت به چیزهای پلیدی و ناپاک واکنش منفی از خود نشان می‌دهد و از آن اجتناب می‌نماید و عیب و دگر هرگز چیزهای ناپاک و غیربهداشتی را هم ردیف امور پاک و بهداشتی نمی‌شمارد. از آنجا که فرهنگ اسلامی و معیارها و قوانین آن براساس فطرت پاک انسانی می‌باشد، به طور طبیعی آموزه‌های قرآنی نمی‌تواند این تفاوت‌ها را نادیده بگیرد. در مقام ارزش گذاری و سننجش هر پاک دهنده از کالاها و اجناس را یکسان می‌شمرد. این گونه است که تنها چیزهای پاک و بهداشتی مورد ارزشگذاری قرار می‌گیرد و برای آن بها و قیمتی در نظر گرفته می‌شود و در معاملات به عنوان کالا مورد تبادل قرار می‌گیرد. آیه ۱۶۸ سوره بقره نیز پاکیزه و سالم بودن و سازگاری آن با طبع انسان را، شرط اساسی در پهرووری از محصولات زمین معرفی می‌کند.

در این بیان معناست که طبع انسان تنها عمایلی به چیزهای پاک و بهداشتی است و از چیزهای غیربهداشتی اجتناب و تنفر دارد.مگر آنکه طبع انسانی آلوده شده و از حالت طبیعی بیرون افتد باشد.

مطابقت فطرت انسان با امور پاک

از نظر قرآن، طبیعت سالم و فطرت پاک آدمی به سوی امور بهداشتی و پاک تمایل دارد و هرگونه گرایش به ضد آن به معنای خروج فطرت شخص از حالت



جایگاه و ارزش بهداشت

در آموزه‌های قرآنی

- کریم قرآن**

از نظر قرآن، طبیعت سالم و فطرت پاک آدمی به سوی امور بهداشتی و پاک تمایل دارد و هرگونه گرایش به ضد آن به معنای خروج فطرت شخص از حالت طبیعی و اعتدالی است.

طبیعی و اعتدالی است. از آنجا که در فرهنگ قرآنی هرگونه گرایش ضدفطری و طبیعی گرایش‌های شیطانی و ضدکمالی است، خداوند به تاثیر وسوسه‌های شیطانی در این بخش توجه می‌دهد و از مردم می‌خواهدتا از شیطان در این مسایل پیروی نکنند.

به سخن دیگر، انسان می‌بایست در مسیر کمالی خود همواره بهداشت را مراعات کند، زیرا بی‌بهره بودن از بهداشت، سلامت تن و روان آدمی را با خطر مواجه می‌کند و او را در دست‌یابی به کمالات مطلق باز می‌دارد. بهره‌گیری از هر چیز بهداشتی و پاک دنیا به معنای پیروی از صراط مستقیم هدایت آدمی به کمال است، چنانکه بهره‌گیری از ناپاکی‌ها و چیزهای غیربهداشتی نیز به معنای گام برداشتن در راه ضلالت و دور شدن از کمالات شمرده می‌شود از این رو قرآن می‌فرماید انسان نباید از شیطان پیروی کند و این جز از راه استغافه کردن از نعمتهای پاکیزه سالم و سازگار با طبع و طبیعت انسان شدنی نیست: **یا ایها الناس کلوا مما فی الارض حلالا طیبا و لاتتبعوا طغولت الشیطان انه لکم عدو مبین.** (بقره آیه ۱۶۸)

بنابراین اگر از نظر شریعت اسلامی و آموزه‌های قرآنی راه مستقیم همان بهره‌گیری از چیزهای بهداشتی و پاک است می‌توان گفت که هرگونه استفاده از چیزهای غیربهداشتی و ناپاک در حقیقت گام نهادن در راه شیطان و ابلیس است. نتیجه دیگری که می‌توان از این مطلب گرفت آنکه هرگونه بهره‌گیری از چیزهای ناپاک به ادعای حلال بودن و یا ترک نعمتهای پاک و بهداشتی به ادعای حرمت می‌تواند افترا و بهتانی آشکار به خداوند و قرآن و آموزه‌های اسلامی باشد. این معنا بصراحت در آیه ۳۲ سوره اعتراف بیان شده و خداوند در آن می‌فرماید که چرا شمردن مواهب پاکیزه سالم و سازگار با طبع انسان، افترا به خداوند است که از سوی برخی مطرح می‌شود: قل من حرم زینه اله التی اخرج لعباده و الطیبات من الارزق؟

خداوند در آیه ۱۵۷ سوره اعراف حکم به حلال بودن چیزهای پاکیزه و سالم و سازگار با طبع انسان و تحریم ناپاکیها را از وظایف پیامبر(ص) بر می‌شمارد که این مطلب خود گواه صافی است که شریعت اسلام هرگز با بهره‌گیری از امور ناپاک و غیربهداشتی میانهای ندارد و هرگونه استفاده از امور ناپاک و غیربهداشتی بهتانی به اسلام و قرآن و شریعت پاک اسلام است.

اهمیت را می‌توان از هدف از تشریح غسل جنابت و وضو و دیگر فرمان‌ها و دستورهایی که در حوزه طهارت ظاهری و باطنی وارد شده به دست آورد؛ زیرا هدف از تشریح این امور پاکیزه شدن اهل ایمان، است و امکان ندارد که خداوند خواهان پاک و بهداشت اهل ایمان باشد و از سوی دیگر بخواهد که چیز پاکی را حرام و امر ناپاک و غیربهداشتی را حل کند.

در اهمیت بهداشت همین بس که اسلام در میان شرایع نسبت به بهداشت چنان حساس بوده و اهمیت قابل شده است که طهارت ظاهری تن و حتی لباس را در همه حال بویژه در امور مذهبی و مناسک و اعمال عبادی شرط دانسته و هرگونه حضور غیربهداشتی در پیشگاه خداوند را امری مردود و باطل شمرده است. خداوندی که برای حضور در اوقات پنج‌گانه، طهارت وضویی و غسلی را شرط صحت عبادت می‌شمرد، هرگز اجازه نمی‌دهد که امری ناپاک و غیربهداشتی وارد جسم و روان آدمی شود. به این معنا که اگر خداوند برای ظاهر از لباس و تن می‌فرماید وضو گرفته و یا غسل انجام شود و طهارت را در طول شبانه‌روز تسبیق و ترغیب می‌کند. (مائده آیه ۶۸) هرگز اجازه نمی‌دهد که تن و روان آدمی با تغذیه ناپاک آلوده شود.

در اهمیت بهداشت همچنین می‌توان به تاکید پیامبر(ص) بر مسواک اشاره کرد تا حدی که گمان رفته است که امری واجب و به عنوان شرط طهارت است. در حالی که این معنا تنها به سبب تاکید بیش از اندازه نسبت به بهداشت دهان و دندان پدیده آمده است.

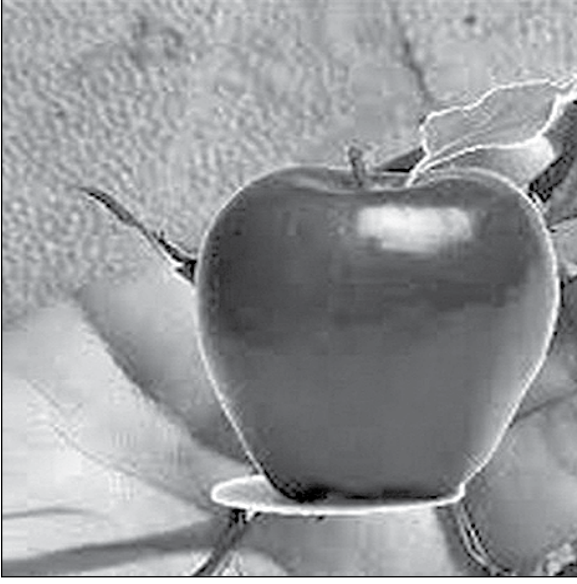
می‌توان از ضرورت دفن و خاکسپاری مردگان که در اسلام مورد تاکید است و قرآن آن را به عنوان یک سنت تاریخی از زمان حضرت آدم(ع) برمی‌شمارد،

معارف

این معنا را استنباط کرد که بهداشت محیط زیست افزون بر حفظ کرامت جسد آدمی مورد توجه اسلام و قرآن در تدفین مردگان بوده است. در حقیقت اسلام با این روش کوشیده است تا به منظور حفظ سلامت و بهداشت محیط و جامعه مردگان دفن شوند و در محیط زیست رها نشوند. در گزارش قرآن آمده است که این حرکت از زمان حضرت آدم(ع) بوده و پیشینه بسیار قدیمی و کهنی را دارد: (مائده آیه ۳۱)

در اهمیت و ارزش بهداشت همه جانبه همین بس که خداوند افراد پاک و پاکیزه را دوست می‌دارد و آنان را به عنوان دوستان خویش انتخاب و معرفی می‌کند. (بقره آیه ۲۲۲)

خداوند در آیات بسیاری در هنگام شمارش نعمت‌های خویش به این نکته توجه می‌دهد که انسان‌ها می‌بایست همواره خداوند را سپاسگزار باشند که



ایشان را از مواهب پاکیزه و موافق طبع و طبیعت آنها بهره‌مند ساخته است. در حقیقت یکی از علل لزوم شکرگزاری بهداشت غذا و محیط وجامعه انسانی است که خداوند نصیب انسانها کرده است. (انفال آیه ۲۶) بنابراین هرگونه بهره‌گیری از چیزهای ناپاک چون شراب و گوشت حیوانات حرام گوشت و لباس نجس و مانند آن در حکم ناپسایسی است که بسیاری از مرد این‌گونه هستند و شکرگزار نعمت بهداشت نیستند.

خداوند از مومنان می‌خواهد که نه تنها خود از بهداشت و چیزهای بهداشتی بهره گیرند بلکه دیگران را نیز بدان دعوت کنند و حتی در هنگام اتفاق بکوشند چیزهای پاک و بهداشتی و دستاوردهای پاکیزه و دلنشین با طبع دیگران را اتفاق کنند و از بخشش چیزهای غیربهداشتی و ناپاک و خبیث خودداری کنند. (بقره آیه ۲۶۴)

آثار بهداشت

هر چند که برای بهداشت می‌توان آثار بسیاری برشمرد که برخی از آنها در هنگام تحلیل اهمیت و ارزش بهداشت بیان شد ولی می‌توان در راستای اهداف والای اسلام به دو اثر و نقش اساسی بهداشت توجه داد؛ زیرا هدف از هر عملی،

تقرب جویی به خداوند است.

ایسن تقرب جویی به معنای دستیابی به کمالات مطلق و رسیدن به مقام خلافت و عبودیت یوبویی است. برای رسیدن به این هدف، شخص باید نخست محبوب خداوند شود و بی‌گمان چنانکه آیه ۲۲۲ سوره بقره تبیین کرده یکسی از مهمترین آثار

مراعات بهداشت و پاکیزگی در همه امور ریز و درشت زندگی، دست‌یابی به مقام محبوبیت و دوستی خداست. شخص چنانکه آیه توضیح می‌دهد می‌تواند با مراعات بهداشت و پاکیزگی، باعث جلب دوستی خداوند شود و در مقام محبوب قرار گیرد.

از دیگر آثار برجسته و اساسی رعایت بهداشت، رستگاری و سعادت دائمی است که آرزوی هر کسی است. خداوند در آیات ۹۰ و ۱۰۰ سوره مائده پرهیز از آلودگی‌ها و رعایت بهداشت و طهارت کامل را زمینه‌ای برای دست‌یابی به رستگاری برمی‌شمارد. بنابراین این توان گفت که هر کسی اگر بخواهد به هدف آفرینش دستت یابد می‌بایست این راه و روش را سرمشق زندگی خویش قرار دهد و بهداشت کامل و جامع از مراعات آنند. از جمله این بهداشت کامل می‌توان به بهداشت بدن اشاره کرد که در آیه ۶ سوره مائده بر آن توجه داده شده است. در حقیقت لزوم غسل جنابت و تطهیر بدن در راستای دست یابی به بهداشت مطلوبی است که زمینه مناسب تعالی و رستگاری را فراهم می‌آورد. خداوند در آیه ۲۲۲ سوره بقره تشویق به شست‌وشو با آب، پس از خروج مدفوع را مطرح می‌سازد که این خودگواهی بر این است که هرگونه آلودگی در ظاهر و باطن، عامل بازدارنده تقرب‌جویی و رستگاری است.

در آیه ۲۲ سوره ص بر مطلوبیت شست‌وشو، از آب خنک و قابل شرب تاکید شده است که این خود بیانگر آن است که انسان در شست و شوی تن خویش نباید از هر آبی استفاده کند و باید از همان آبی استفاده کند که قابل شرب باشد و بالاتر از آن می‌بایست از آبی بهره گیرد که خنک باشد و تحت تاثیر سرما بویژه روز خورشید به جوش نیامده باشد؛ زیرا آب گرمی که این گونه به دست می‌آید منبع میکروبیها و آلودگی‌هاست.

۱۱ سوره انفال نیز بر تأثیر آب در زدودن آلودگیها از بدن توجه می‌دهد که در حقیقت نعمتی است که خداوند به این وسیله سلامت انسان را تضمین کرده است.

بهداشت تغذیه نیز از مصادیق بهداشت جامع و کامل، مورد تاکید آموزه‌های هدایت بخش قرآنی است. آیه ۵۷ سوره بقره بر رعایت نکردن پاکیزگی و بهداشت به عنوان ظلم و ضرر بر نفس یاد می‌کند که بیانگر آن است که چگونه انسان می‌تواند با پرهیز از بهداشت در دام ستم بر نفس بیفتد و عاقبت خویش را به تباهی کشاند.

اهمیت بهداشت تغذیه

چنان که گفته شد پاکیزه و سازگار بودن خوردنی‌ها با طبع انسان، ملاک

حلال بودن آنها در اسلام دانسته شده است. (بقره آیه۱۶۸ و مائده آیه۴) این بدان معناست که در اسلام معیار سننجش در بهداشت غذایی حلال بودن آن می‌باشد. از این‌رو خوردن هر چیز آلوده و کثیف و غیربهداشتی همانند موارد حرام، دانسته شده و از آن نهی شده است. (انعام آیه۱۴۵) ناگفته نماند که در فرهنگ اسلامی و قرآنی هرگونه زیادپروی در خوردنی‌ها (پرخور) و آشامیدنی‌ها، به سبب ایجاد سوء تغذیه مردود دانسته شده تا به این وسیله بر آرزو خوردن هر چیز آلوده و کثیف و غیربهداشتی می‌کند که هرگونه پرخوروی موجب می‌شود تا خداوند به خشمش آید و فرد به این وسیله زمینه غضب خداوند را بر خود هموار سازد.

به هرحال در بهداشت تغذیه حلیت خوردن هر چیز پاکیزه و سالم و سازگار با طبع در کنار حرمت خوردن هر چیز کثیف و نامازگار با طبع انسانی (اعراف آیه۱۵۷) نشان از آن می‌دهد که آدمی می‌تواند با رفتار ضدبهداشتی به تعالی و کمال و در نتیجه تقرب و رستگاری دست یابد.

آیه ۵۱سوره مومنون نیز روشنی می‌سازد که وجه مشترک همه ادیان آسمانی، اهمیت دادن به تغذیه سالم و پاکیزه بوده است و خدا به مسلمانان نیز سفارش می‌کند تا برای بهره‌گیری از خوراکی‌های پاکیزه، سالم و سازگار با طبع، اقدام نمایند و بهداشت تغذیه را مراعات کنند. (بقره آیه ۱۷۲) از نظر قرآن ایمان واقعی فرد به آموزه‌های دینی، سبب می‌شود تا شخص خویشتن را از غذاهای پاکیزه، سالم و سازگار با طبع محروم نسازد و درپی آن باشد. (مائده آیه ۸۷) تاکید بر بهداشتی بودن از این‌روست که سلامت بدن برای سلامت روح و روان ضروری است و به قول استاد حسن‌زاده آملی این لقمه‌هاست که خون می‌شود و در روان آدمی تأثیر می‌گذارد و خلق و خوی شخص را مدیریت و هدایت می‌کند. بنابراین در اسلام گوشت مردار، خون و گوشت خوک از غذاهای پاکیزه و غیرسالم و مضر به سلامت و بهداشت بدن دانسته شده و از آن پرهیز داده شده است. (بقره آیه۱۷۳ و نیز مائده آیه۳۵ و انعام آیه۱۴۵) در مقابل، بر شیر شتر و گاو و گوسفند، به عنوان نوشیدنی سالم و گوارا (نحل آیه۶۶) و همچنین عسل طبیعی، به عنوان نوشیدنی سالم و شفابخش (نحل آیه۶۹) و فراورده‌های درختان خرما و انگور، به عنوان مفیدترین و سالم‌ترین غذاها (نحل آیه۶۹) تاکید شده است و حتی در راستای بهداشت تغذیه سالم کودک، که بهتر بودن شیر مادر برای تغذیه فرزند، نسبت به شیر دیگر زنان و تغذیه‌های دیگر (بقره آیه ۲۳۳) اهتمام خاص مبذول شده است.

همچنین برای دوری از هرگونه آلودگی جسمی و روانی و روحی، از حیوانات نجس شده به نام غریختا به عنوان غذای ناسالم و لازم‌الاجتناب نهی شده است؛ زیرا در تفکر و بیشن اسلامی هر چیزی حتی کلمات در جهان تأثیر خوب و بد بها می‌گذارد و می‌تواند آن را از حالت مثبت و سازنده به حالت منفی و غیرسازنده تبدیل کند. از این‌رو در آیات ۱۷۳ سوره بقره و ۳ سوره مائده و ۱۴۵ سوره انفال از آثار سوء ذبح جانوران به نامی غیر از خداوند سخن به میان آمده است؛ و ویژه آن که ابلیس می‌گوشد تا با غیربهداشتی کردن محیط زیست و تغذیه انسان، وی را از خداوند و اهداف کمالی‌اش دور سازد و به سوی گمراهی سوق دهد. خداوند در آیه ۱۶۸ سوره بقره می‌فرماید که تنها کسانی از غذاهای ناسالم و غیر پاکیزه و غیربهداشتی بهره می‌گیرند که در مسیر شیطان گام برمی‌دارند.

بهداشت محیط‌زیست و خاک

افزون بر بهداشت بدن و تغذیه می‌توان به بهداشت محیط‌زیست و خاک

در اهمیت بهداشت همین بس که اسلام در میان شرایع نسبت به بهداشت چنان حساس بوده و اهمیت قابل شده است که طهارت ظاهری تن و حتی لباس را در همه حال بویژه در امور مذهبی و مناسک و اعمال عبادی شرط دانسته و هرگونه حضور غیربهداشتی در پیشگاه خداوند را امری مردود و باطل شمرده است.

اشاره کرد. خداوند در آیات بسیاری می‌فرماید که انسان از خاک و گل آفریده است تا به این وسیله اهمیت خاک و محیط زیست انسانی را به وی نشان دهد. برخی از مردمان با اعمال نامناسب و رشت خویش محیط زیست به ویژه قرآن از خداوند آلوده می‌کنند و زمینه مساعد برای بیماری فراهم می‌آورند. از این‌رو قرآن از فسادهای زمین به دست برخی از انسانها سخن به میان آورد و آنان را مورد سرزنش قرار می‌دهد.

خاک البته به سبب ویژگی‌های خاص خود از این قابلیت برخوردار است که در یک فرایند، خود را پاکسازی کند. از این‌روست که در اسلام خاک به عنوان طاهر یعنی پاک و نیز مطهر یعنی پاک‌کننده شناخته شده است. به این معنا که هم خود پاک است و زمینه‌یایی برای بهداشت دیگر را پاک و پاکیزه می‌کند. در آیه ۴۳ سوره نساء خاک به عنوان منبع پاکیزگی و بهداشت معرفی و طهارت با آن در مواردی مجاز دانسته شده است.

بهداشت محیط‌زیست در آیه ۱۵ سوره سبا مطرح شده و خداوند در آنجا می‌فرماید که چگونه مسا در عصر خوشبختی و سعادت شهری با محیط بهداشتی داشتند و از هرگونه پلیدی‌ها و ناپاکی‌ها در امان بودند.

از نظر قرآن محیط‌زیست سالم و شهری که از بهداشت برخوردار باشد در زمره نعمتهای الهی قرار می‌گیرد. بنابراین فقدان بهداشت شهری به معنای دوری از نعمت است و خداوند در آیه ۲۹ سوره توبه یکی از ویژگی‌های مهمت را برخوردار از بهداشت محیط‌زیست برمی‌شمارد و می‌فرماید که انسان‌های بهشتی در خانه‌های پاکیزه‌ای به سر می‌برند.

همچنین می‌توان گفت که تاکید خداوند در آیه ۱۲۵ سوره بقره و نیز آیه ۲۹ سوره حج بر پاکیزه کردن داشتن و پاکیزه کردن عبادتگاه در راستای توجه دادن مسلمانان به بهداشت محیط‌زیست ازجمله این است.

بهداشت در روابط جنسی

همان‌گونه که در اسلام لازم دانسته شد تا شخص در تغذیه و لباس (مدثر آیه۴) و امور دیند پیش گفتند طهارت و بهداشت را مراعات کند بر بهداشت جنسی نیز تاکید شده است. در آیه ۲۲۲ سوره بقره از لزوم خودداری از مقاربت با همسران، در دوره قاعدگی آنان سخن به میان آمده است؛ زیرا هرگونه مقاربت در این زمان می‌تواند آثر بدی بر دو طرف به جا گذارد و آنان را از سلامت تن و روان بیرون برد.

سخن درباره بهداشت و پاکیزگی در اسلام و قرآن بسیار است ولی در این مجال به همین مقدار بسنده می‌شود.

صفحه ۸
سه‌شنبه ۱۷ فروردین ۱۳۹۵
۲۶ جمادی‌الثانی ۱۴۳۷ - شماره ۲۳۳۱

چراغ راه

ویژگی خانه‌های غنایی

قال الامام الصادق(ع): «بیت‌الغنا، بیت لاتومن فیه الفجیعه، و لاتجیب فیه‌الدعوه، ولا تدخله الملائکه»
امام صادق(ع) می‌فرماید: خانه‌ای که در آن غنا و سساز و آواز (حرام) نواخته شود، از مصیبت‌ها و بلاهای دردناک در امان نیست ودعا در آن خانه مستجاب نمی‌گردد و فرشتگان به آن خانه وارد نمی‌شوند.»^(۱)

۱- دعائم‌الاسلام، ج ۲، ص ۲۸۰

حکایت خوبان

لزوم پرهیز از موسیقی لهوی

ابوصیصر از اصحاب امام‌صادق(ع) نقل کرده است که من خدمت امام‌صادق(ع) بودم. مردی آمد و گفت: یابن رسول‌الله! در همسایگی من کسانی هستند که مطرب و آواز-خوان می‌آورند، من گاهی به دستشویی‌ای که پشت دیوار همسایه قرار گرفته، می‌روم. صدای آواز-خوان را می‌شنوم و بیش از مقدار لازم آنجا توقف می‌کنم و از شنیدن آن صد لذت می‌برم، آیا این کار من ناپسند است؟

امام صادق(ع) فرمود: این کار را مکن. مرد گفت: آقا من که نه خودم به مجلس نمی‌روم و نه آنها را به خانه خود می‌آورم، تنها صدای آنها را در دستشویی خانه‌ام می‌شنوم. امام فرمود: آیا این آیه از قرآن را نخوانده‌ای: «ان السمع والبصر والفؤاد کل اولئک کان عنه مسئولاً» (سراء - ۳۶) همانا گوش و چشم و دل همگی (در برابر خدا) مسئولند. یابن رسول‌الله! این آیه را تا به حال شنیده بودم، می‌روم. صدای آواز-خوان را می‌شنوم. امام فرمود: برو غسل تویه کن و چند رکعت نماز بخوان بعد از نماز استغفار کن و از خدا بخواه که تو را بیامرزد و اگر با آن حال می‌مردی چه گرفتاری‌ها که داشتی!»^(۱)

۱- بنای بندگی صفای زندگی، آیةالله ضیاء‌آبادی، ص ۳۴۵

پرسش و پاسخ

تحریم غنا

پرسش:

مفهوم غنا و تحریم آن را از منظر فقهی توضیح دهید؟

پاسخ:

در بیان مفهوم غنا سؤال اصلی این استست که آیا هر صوت خوش و زیبای غنا است؟ مسلما چنین نیست، زیرا در روایات اسلامی آمده و سبزه مسلمانین نیز حکایت می‌کند که قرآن و آذان و مانند آن را از صدای خوش و زیبا بخوانید.

و آه غنا هر صدایی است که در آن «ترجیع» (رفت و آمد صدا در حنجره و به اصطلاح غلت دادن) باشد؟ این نیز ثابت نیست. آنچه از مجموع کلمات فقها و سخنان اهل سنت در این زمینه می‌توان استفاده کرد این است که غنا، آهنگ‌های طرب‌انگیز و لهو و باطل است. و به عبارت روشن‌تر: غنا آهنگ‌هایی است که متناسب مجالس فسق و فجور و اهل گناه و فساد می‌باشد.

و باز به تعبیر دیگر: غنا به صوتی گفته می‌شود که قوای شهوانی را در انسان تحریک می‌نماید، و غنا در آنجا احساس می‌کند که اگر در کنار آن صدا، شراب و فساد جنسی نیز باشد کاملا مناسب است! این نکته نیز قابل توجه است که گاه یک «آهنگ» هم خود غنا است و لهو و باطل است و هم محتوای آن، به این ترتیب که اشعار عشقی و فسفادانگیز را با آهنگ‌های مطرب بخوانند، و گاه تنها آهنگ، غنا باشد. به این ترتیب که اشعار بر محتوی یا آیات قرآن و دعا و مناجات را به آهنگی بخوانند که مناسب مجالس عیاشان و فاسدان است، و در هر دو صورت حرام می‌باشد.

ذکر این نکته نیز لازم است که گاه برای غنا دو نوع معنی ذکر می‌شود «معنی عام» و «معنی خاص»، معنی خاص همان است که در بالا گفتیم یعنی آهنگ‌های تحریک‌کننده شهوات و متناسب مجالس فسق و فجور. ولی معنای عام هرگونه صوت زیبا است، و لذا آنها که غنا را به معنی عام تفسیر کرده‌اند برای آن دو قسم قائل شده‌اند «غناي حلال» و «غناي حرام».

منظور از غنای حرام همان است که در بالا گفته شد و منظور از غنای حلال صدای زیبا و خوشی است که مفسده‌انگیز نباشد، و متناسب با مجالس فسق و فجور نگرده.

در نحوه تفسیر غنا و تشخیص مصداق آن است.

البته «غنا» مصادیق مشکوکی نیز دارد (مانند همه مفاهیم دیگر) که انسان به راستی نمی‌فاند دلان صوت مناسب مجالس فسق و فجور است یا نه؟ و در این صورت به حکم کلام برات محکوم به حلیت است. (البته بعد از آگاهی کافی از مفهوم عرفی غنا طبق تعریف فوق).

و از اینجا روشن می‌شود صداها و آهنگ‌های حماسی که متناسب میدان‌های نبرد و یا ورزش و یا مانند آن است دلیلی بر تحریم آن نیست. البته در زمینه غنا بحث‌های دیگری نیز وجود دارد از قبیل پاره‌ای از استنناها که بعضی برای آن قائل شده‌اند، و جمعی آن را انکار کرده‌اند، و مسائل دیگر که باید در کتب فقهی از آن سخن گفت.

آخرین سخنی که در اینجا ذکر آن را لازم می‌دانیم این است که آنچه در بالا گفتیم مربوط به خوانندگی است و اما استفاده از آلات موسیقی و حرمت آن بحث دیگری دارد که از موضوع این سخن خارج است.

سلوک عارفانه

لزوم نشاط عبادت برای سالک

(بدان ای سالک راه خدا) روح انسان فوق‌العاده لطیف است و زود عکس‌العمل نشان می‌دهد. اگر انسان در یک کاری بر روح خودش فشار بیآورد - تا چه رسد به روح دیگران - عکس‌العملی که روح انسان ایجاد می‌کند، گریز و فرار است. مثلاً در عبادت، جزو توصیه‌های پیغمبر اکرم(ص) این است که عبادت را آن‌قدر انجام دهید که روحتان نشاط عبادت دارد، یعنی عبادت را با میل و رغبت انجام دهید - وقتی یک مقدار عبادت کردید، نماز خواندید، مستحبات را بجا آوردید، نافله انجام دادید، قرآن خواندید، و بیبار خوابی کشیدید، دیگر حس می‌کنید، الان این عبادت سخت و سستگین است، یعنی به زور دارید بر خودتان در عبادت تحمل می‌کنید - فرمود: دیگر اینجا کافی است، عبادت را به خودت تحمیل نکن. همین‌قدر که تحمل کنی دوا به او داده‌ای. آن وقت یک خاطره بد از عبادت پیدا می‌کند. همیشه گوشش کن در عبادت نشاط داشته باشی و روح‌ت خنده‌خوش از عبادت داشته باشی.^(۱)

۱- شهید مطهری (ره)، مجموعه آثار، ج ۱۶، ص ۱۵۷

صفحه معارف روز های: یک‌شنبه، سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود

تلفن‌های مستقیم: ۰۲۹۴۱۹۹۱ - ۰۲۳۲۰۲۳۳۱

آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۰۰، پانزدهم تیر

ساعات کاری: ۸ صبح تا ۱۲ ظهر و ۲ تا ۷ عصر

ساعات پاسخگویی: ۲۴ ساعته

ساعات پاسخگویی: ۲۴ ساعته

ساعات پاسخگویی: ۲۴ ساعته

ساعات پاسخگویی: ۲۴ ساعته

ساعات پاسخگویی: ۲۴ ساعته

ساعات پاسخگویی: ۲۴ ساعته

ساعات پاسخگویی: ۲۴ ساعته

ساعات پاسخگویی: ۲۴ ساعته

ساعات پاسخگویی: ۲۴ ساعته

ساعات پاسخگویی: ۲۴ ساعته

ساعات پاسخگویی: ۲۴ ساعته

ساعات پاسخگویی: ۲۴ ساعته

ساعات پاسخگویی: ۲۴ ساعته

ساعات پاسخگویی: ۲۴ ساعته

ساعات پاسخگویی: ۲۴ ساعته

ساعات پاسخگویی: ۲۴ ساعته

ساعات پاسخگویی: ۲۴ ساعته

ساعات پاسخگویی: ۲۴ ساعته

ساعات پاسخگویی: ۲۴ ساعته

ساعات پاسخگویی: ۲۴ ساعته

ساعات پاسخگویی: ۲۴ ساعته

ساعات پاسخگویی: ۲۴ ساعته

ساعات پاسخگویی: ۲۴ ساعته

ساعات پاسخگویی: ۲۴ ساعته